



نقش اصطلاح‌شناسی در توانمندسازی فقه

محمدهادی یعقوب‌نژاد*

چکیده

اصطلاح‌شناسی در نظام‌سازی واژگانی علوم تأثیر بسزایی دارد. نقش این مهم در درک متناسب از ساختار دانش‌ها نیز انکارناشدنی است. این نوشتار رسالت بیان این تأثیر را در توانمندسازی فقه برعهده دارد و همچنین، براین پایه، درصدد پاسخ‌گویی به دغدغه دست‌بندی درون‌علمی دانش «فقه» است.

بررسی موضوع در چهار محور سامان یافته است: محور اول، از اهمیت اصطلاح‌شناسی سخن می‌گوید؛ در محور دوم، موضوعاتی بررسی می‌شود که ابزار شناخت واژگان علوم هستند؛ محور سوم به اهمیت اصطلاح‌شناسی در دامنه و گستره فقه می‌پردازد؛ چهارمین و آخرین محور، عهده‌دار واکاوی و بازنمایی دانش فقه در فرم اصطلاح‌شناسی و بیان برخی سودمندی‌های برجسته آن است.

کلیدواژگان: علم فقه، دست‌بندی علوم، دست‌بندی علم فقه، اصطلاح‌نامه، اصطلاح‌شناسی.

مقدمه (طرح مسئله)

فقیهان مسلمان برای علم فقه از جنبه‌های مختلف دسته‌بندی‌هایی داشته‌اند؛ مثلاً آن را از جنبه ادله اثبات، به «فقه استدلالی» و «فقه روایی»، و به لحاظ حکم و موضوع به «احکام» و «موضوعات احکام»، و از نظر مذهب به «فقه اهل سنت» و «فقه شیعه»، و از نگاه مسئله و قواعد کلی به «قواعد فقهی» و «مسائل فقهی»، و با در نظر گرفتن موضوعات کلان فقه به «عبادات بالمعنی الاعم» و «معاملات بالمعنی الاعم» تقسیم نموده‌اند.

پرسش اساسی آن است که با توجه به دسته‌بندی‌های متفاوتی که در جوامع فقهی آمده است، کدام روش با ایجاد مبنای صحیح می‌تواند به دسته‌بندی مسائل گسترده فقهی کمک کند؟

این مقاله، افزون بر بیان تأثیر بایسته اصطلاح‌شناسی در نظام‌سازی واژگانی و نقش آن در درک متناسب از ساختار دانش‌ها، مبنای صحیح برای دسته‌بندی مسائل گسترده فقهی را ترسیم ساختار دانش فقه با فرم اصطلاح‌شناسی دانسته و آن را بررسی نموده است. این بررسی در چهار محور تنظیم شده است: در آغاز (محور اول) از اهمیت اصطلاح‌شناسی سخن می‌گوید؛ در محور دوم، ابزارهایی همچون دائرةالمعارف، دانشنامه، فرهنگ‌نامه، فرهنگ و اصطلاح‌نامه شناخت واژگان بررسی می‌شود که محمل شناخت واژگان علوم هستند؛ محور سوم به اهمیت اصطلاح‌شناسی در دامنه و گستره فقه می‌پردازد؛ چهارمین و آخرین محور، عهده‌دار واکاوی و بازنمایی دانش فقه در فرم اصطلاح‌شناسی است.

۱. اصطلاحات تخصصی و اهمیت شناخت آن

دسته‌بندی در هر علم جز از راه اصطلاحات آن علم ممکن نیست. سنگ بنای دسته‌بندی‌ها در علوم گوناگون، از جمله فقه، اصطلاحات است که با عنوان‌های مدخل، کلیدواژه و مانند آن نام‌گذاری می‌شوند؛ زیرا اصطلاحات در علوم و معارف همان نقشی را

ایفا می‌کنند که عنصر زبان در گفت‌وگوهای عام برعهده دارد: نقش اصلی هر دو، روان‌سازی ارتباطات انسانی است، اعم از ارتباط تخصصی بین عالمان یا ارتباط محاوره‌ای میان عموم انسان‌ها. در این میان، اصطلاح‌نامه^۱ یا گنج‌واژه یکی از منابع مهمی است که به دلیل کاربرد در دسته‌بندی درون‌علمی، مدیریت دانش و سازمان‌دهی اطلاعات، رتبه بالایی در میان آثار مرجع مشابه دارد و در اصطلاح‌شناسی دارای اهمیت خاصی است (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: اوستین و ویل، ۱۳۶۵ و یعقوب‌نژاد، ۱۳۸۹). اصطلاح‌نامه‌ها فواید و ارزش‌های افزوده فراوانی، همچون این موارد دارند:

- شناسایی و طبقه‌بندی واژگان مشابه و هم‌معنی، و متضاد در زمینه هر علم؛
- بازتاب پیوندهای متنی و بحثی میان واژه‌ها؛
- کشف مشترکات لفظی و تبیین وجوه تمایز آن؛
- کارایی در طبقه‌بندی علوم؛
- ارزشیابی دانش‌ها و بازنمایی تحولات رشته‌های گوناگون علمی؛
- بازشناخت روابط میان رشته‌ای؛
- نمایش چپ‌ساختاری هر دانش؛
- ارائه ساختار و روابط خانواده‌های واژگانی.

۲. ابزارها و منابع شناخت اصطلاحات و واژگان

از آنجاکه درک درستی از مفهوم اصطلاح‌نامه در عرف عام محققان وجود ندارد، ناگزیر، تعریف و تفاوت‌عناوینی همچون معجم، موسوعه، فرهنگ، دائرةالمعارف، دانشنامه و فرهنگ‌نامه را به اختصار بیان می‌کنیم تا تفاوت اصطلاح‌نامه با آنها روشن گردد...

۱-۲. فرهنگ (فرهنگ لغت)

قاموس لغت، معجم لغات، واژه‌نامه، لغت‌نامه، فرهنگ، فرهنگ لغت، دیکشنری و



عنوان‌هایی از این دست، مفهوم یکسانی دارند: اثری که دربرگیرنده لغت باشد. از این جهت، برابرهاده «Dictionary» در زبان انگلیسی و «Dictionnaire» در فرانسه قرار می‌گیرد و معمولاً در عربی به آن «قاموس» و «معجم» گفته می‌شود. محتوا و ساختار چنین آثاری با فرهنگ‌نامه، دائرةالمعارف، اصطلاح‌نامه و عنوان‌های مشابه آن کاملاً تفاوت دارد. البته، ممکن است، برای مثال لغت‌نامه دهخدا، که اثری چندوجهی است، هم لغت‌نامه (فرهنگ لغات) و هم دائرةالمعارف نامیده شود؛ زیرا، درضمن شرح لغات، به صورت تفصیلی به شرح اعلام تاریخی و جغرافیایی نیز توجه کرده است (یعقوب‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۱: ص ۸۰).

۲-۲. فرهنگ‌نامه

فرهنگ‌نامه اسم مرکب فارسی، و به معنای کتابی است که در آن سخن از دانش و فرهنگ باشد. این اصطلاح برابر «دائرةالمعارف» در عربی، «Encyclopedia» در انگلیسی، و «Encyclopédie» در فرانسه قرار می‌گیرد (قرشی، ۱۳۷۸: ص ۳۰) و به اثری گفته می‌شود که در آن آگاهی‌های گزیده و موثقی از همه رشته‌های علوم یا رشته‌ای خاص از دانش بشری به صورت مقالاتی کوتاه یا بلند (حسب موضوع) فراهم آمده است و مراجعه‌کننده به آن، پاسخ سؤال خویش را در موضوع موردنیازش به آسانی به دست می‌آورد. (ر.ک: یعقوب‌نژاد، همان).

۲-۳. دانشنامه

این اصطلاح، اسم مرکب فارسی و برابر واژه «Cyclopaedia» است: اثری که دربردارنده اطلاعاتی به صورت مقاله درباره بخشی خاص از دانش بشری باشد و به معنای «کتاب علم» یا «کتاب حکمت» یا نامه‌ای که در آن از دانش سخن رفته باشد هم تعریف شده است (سلطانی و راستین، ۱۳۶۵: ذیل واژه «دانشنامه»؛ معین، ۱۳۶۴: ج ۲، ذیل واژه «دانشنامه»). درحقیقت، دانشنامه‌ها بیشتر خلاصه دانش بشری در رشته‌ای خاص هستند که در یک مجموعه گردآوری شده‌اند، برای عموم فرهیختگان درک‌شدنی‌اند، و استفاده از آنها و نیز یافتن پاسخ در زمینه‌های موردنظر، آسان است (پریس، ۱۳۶۷: ص ۵۰۴).

۲-۴. دائرة المعارف

دائرة المعارف اسم مرکب عربی، برابر نهاده «Encyclopedia»، و به معنای کتابی است که در برگیرنده مجموعه‌ای از معارف بشری، فرهنگ و علوم باشد؛ به دیگر سخن، این اثر خلاصه‌ای است از رشته‌های مختلف علوم، که به آسانی قابل فهم و استفاده باشد (حری، ۱۳۸۱: ج ۱، ذیل واژه «اصطلاح‌شناسی»).

با همه تفاوت دقیقی که در تعریف این سه عنوان وجود دارد، ولی در فارسی معاصر هر سه اصطلاح «فرهنگ‌نامه»، «دانشنامه» و «دائرة المعارف» در یک مفهوم به کار می‌رود که البته، با فرهنگ لغت (فرهنگ) تفاوت آشکاری دارند؛ بنابراین، دائرة المعارف یا فرهنگ‌نامه، ارائه اطلاعات گزیده و آگاهی‌های دقیق، موثق و روزآمد در همه رشته‌های معارف بشری یا رشته‌ای خاص است که متخصصان و زبندگان رشته‌های مختلف آن را بر پایه دانش و زبان خوانندگان گردآوری و سپس برحسب نظامی خاص (بیشتر الفبایی یا موضوعی) مرتب کرده‌اند. این نوع منابع در ردیف منابع مرجع قرار دارند و خواننده آن، به سادگی و با سرعت، می‌تواند پاسخ بعضی از سوالات خود را در زمینه مورد نیازش بیابد.

با وجود این، فرهنگ، واژه‌نامه یا لغت‌نامه منبعی است که درباره کلمات و لغات زبان محاوره‌ای عام یا رشته‌ای خاص براساس نظم الفبایی (به‌طور معمول) مرتب می‌شود و به جز اطلاعات معنایی واژگان، آگاهی‌هایی مانند املا، هجامندی، تلفظ، ریشه‌شناسی، اشتقاق، کاربرد مترادف‌ها، دستور زبانی و گاه تصاویری دال بر واژه ارائه می‌کند.

۲-۵. اصطلاح‌نامه

اصطلاح‌نامه اسم مرکب فارسی و به معنای کتابی است که در آن، اصطلاحات علوم با ترتیب خاصی سامان یافته‌اند. این اصطلاح را برابر واژه انگلیسی «Thesaurus»^۲ قرار داده‌اند. شاید در زبان عربی عنوان «المکنز» یا «معجم المصطلحات» برابر نهاده مناسبی برای آن باشد.^۳ در اصطلاح‌نامه، مجموعه‌ای از اصطلاحات علمی در حوزه دانش خاصی



شناسایی و روابط معنایی و منطقی میان اصطلاحات، همچون مترادف، سلسله‌مراتبی و وابستگی، به‌روشنی ارائه می‌شود. همه اصطلاحات علمی یکی از ارتباطات مفهومی گفته‌شده را داراست. این ارتباطات علمی میان واژگان، با ساختاری شفاف در اصطلاح‌نامه نمایان می‌شود و در پایان، نظام‌واره واژگانی هر علم در بخش درختی اصطلاح‌نامه‌ها ترسیم می‌گردد. توضیحات واژگان (آن‌گونه که در لغت‌نامه‌ها و دائرةالمعارف‌ها هست) در اصطلاح‌نامه ارائه نمی‌شود. تاکنون، کاربردهای فراوانی برای اصطلاح‌نامه شناخته شده است: استفاده در نمایه‌سازی موضوعی، فهرست‌نویسی، مدخل‌یابی فرهنگ‌نامه‌ها و دائرةالمعارف‌ها، مدیریت اطلاعات الکترونیکی و دیجیتالی، علم‌سنجی، طبقه‌بندی درون‌علمی، هستی‌شناسی مفهومی علوم و مانند آن.

۲-۶. تفاوت ساختاری میان اصطلاح‌نامه و عنوان‌های مشابه

بنابر تعاریف یادشده، هریک از ابزارهای واژگانی اطلاعات خاصی را به خواننده می‌دهند. با وجود این، درحالی‌که گستره اطلاعات موجود در فرهنگ‌ها (لغت‌نامه‌ها) درباره واژه‌های زبانی است، گستره فرهنگ‌نامه‌ها، دائرةالمعارف‌ها و دانش‌نامه‌ها درباره زمینه‌های دانش بشری است: همان‌گونه که اصطلاح‌نامه‌ها درباره نظام معنایی حاکم بر شاخه‌های علمی و حوزه‌های علمی و معرفتی است و منبعی مؤثر برای مدیریت و سازمان‌دهی دانش‌ها، و زمینه‌سازی برای دستیابی به آگاهی‌های موجود در ردیف پژوهش‌های زیربنایی در حوزه‌های علمی است. چنین ابزاری درصدد پاسخ‌گویی به یکی از دغدغه‌های مهم اندیشمندان بوده که عبارت است از: اطلاع به‌موقع از داشته‌های علمی خویش و دیگران؛ چنان‌که عالمان همواره با روش‌های گوناگونی برای رفع این دغدغه تلاش کرده‌اند.^۴ افزون‌براین، از نظر قالب و ساختار، اصطلاح‌نامه‌ها با فرهنگ‌نامه‌ها، دانش‌نامه‌ها و ابزارهای مشابه متفاوت‌اند و از این جهت، بیشتر به طرح‌های رده‌بندی و نظام‌های طبقه‌بندی شباهت دارند (ر.ک: طاهری عراقی، ۱۳۷۶: ص ۶۳-۷۸)؛ گرچه ممکن است همه اینها براساس ترتیب الفبا تنظیم شده باشند.

۳. اهمیت اصطلاح‌شناسی در دانش فقه

۳-۱. گستره فقه در دامنه علوم

درحقیقت، باوجوداینکه درون‌مایه مباحث فقهی، مسائل روز دنیاست ولی در شیوه ارائه مباحث کاربردی آن به جامعه و قالب‌های محاوره‌ای و روش‌های تنظیم و تقسیم‌بندی به بازنگری نیاز دارد. با نوآوری و جاذبه‌آفرینی در فقه و فقهت، و کارآمدتر کردن آن، مسیر حرکت تکاملی فقه، به‌عنوان نظریه واقعی و کامل اداره انسان پیش‌رونده و متکامل، هموار می‌گردد. نگرش خاص به حکومت (که فلسفه عملی فقه است)، بررسی مسائل جدید جامعه از نگاه فقهی با توجه به تحولات روزافزون و پیدایش مباحث نو (به‌ویژه با تشکیل حکومت اسلامی)، نیاز به پویایی فقه با توجه به نقش عنصر زمان و مکان در اجتهاد را نمایان می‌کند.

روشن است که فقه، علمی پرادعا، دیرپاب، پیچیده و درعین حال پراثر و پرثمر و به‌صورت طبیعی اختلاف‌پذیر نیز هست. این علم دارای مسائل گوناگون و پرشماری است که در ابواب متنوعی جمع‌آوری و تنظیم شده‌اند و با چنین تنوعی، عنوان علمی واحد (علم فقه) را داراست؛ زیرا فقیه در علم فقه، گاهی درباره رابطه مکلف با خدا بحث می‌کند و زمانی دیگر، کیفیت تعامل انسان‌ها با یکدیگر را توضیح می‌دهد و در مواردی به امور مالی و اقتصادی، و در موقعیتی دیگر، به مباحث قضایی و جرم و جزا توجه دارد؛ گاه هم بیان رابطه انسان‌ها با طبیعت و جانوران، و موجودات و اشیای پیرامون او را برعهده دارد. از این رو، فقه دانشی است که با حوزه‌های علمی دیگر همچون اعتقادات و کلام، جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست، حقوق، قانون، امور اجتماعی، و امور طبیعی رابطه فراوانی دارد. باوجوداین، فقه یک علم است و با عنوان واحدی نامیده می‌شود؛ زیرا، از آنجاکه فقه دانش زندگی است، به همه شئون زندگی انسان در عرصه‌های فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی، و سیاسی و اقتصادی می‌پردازد تا حکم همه این شئون از نگاه شرع روشن شود.

هر مسئله فقهی، موضوع و محمولی دارد: موضوع آن، فعل مکلفان است و محمول



آن حکمی از احکام شرع مقدس؛ از این رو، برای مباحث گوناگونی که در علم فقه مطرح می‌شود، یک محور مشترک وجود دارد: فعل مکلف از نظر حکم شرعی. فقیه از احکام فعل مکلفان سخن می‌گوید: چه احکام، تکلیفی باشند و چه وضعی. فقیه، همان‌طور که نماز را واجب و غیبت را حرام می‌داند و سفیه را از فروش اموال خود باز می‌دارد، حکم می‌کند که طهارت شرط نماز و عدم قبول مشتری موجب بطلان عقد است. در همه این موارد، فعلی از افعال مکلفان بیان می‌شود. این افعال با همه اختلاف ماهوی که دارند، در علمی واحد به نام فقه گرد آمده‌اند؛ چون فقیه همه آنها را با یک نگاه می‌نگرد، همان‌طور که از امور دیگری مانند زمین، آب و دیگر ذوات نیز بحث می‌کند. او احکام همه این موارد را از یک نوع مبادی دریافت و با یک شیوه بررسی و تحقیق می‌کند. از این رو، موضوعاتی چون اعتکاف، نماز، غیبت، معامله، حدود و دیات و مانند آن در یک مجموعه با نام علم فقه قرار می‌گیرند. علمی که موضوع آن همه شئون زندگی باشد، گستره و پهنه موضوعی وسیعی خواهد داشت.

چنین علمی با دارا بودن پیشینه و میراثی بی‌بدیل، راهبردی انحصاری، و افقی به فراخنای ابدیت، برای دسترسی به وضع موجود و آگاهی از داشته‌ها و تصویری اجمالی از نیازها و ترسیم معقول از طرح‌های پیش‌رو، چاره‌ای ندارد جز شناسایی موضوعات و تبدیل آنها به اصطلاحات و واژگان کلیدی؛ همچنین، تنظیم و ارائه آنها طبق طرحی مشخص. مطرح کردن بحث‌هایی مانند طبقه‌بندی علم فقه، درخت‌واره فقه، رده‌بندی، دسته‌بندی، و ایندکس‌های موضوعی و تخصصی برای رسیدن به همین مقصود است.

۲-۳. دسته‌بندی و تقسیمات موجود در فقه

در جوامع فقهی، مباحث فقهی را با عنوان‌های «ابواب فقهی» و «کتب فقهی» آورده‌اند. از آنجا که در سده‌های اول و دوم هجری برای هر یک از موضوعات مهم فقهی کتاب مستقلی تألیف می‌شد، از هر موضوع و هر بابی از ابواب فقه با عنوان «کتاب» یاد شده است (شهبازی، ۱۳۶۹: ج ۲، ص ۱۳؛ مطهری، ۱۳۸۷: ج ۳، ص ۱۱۱). نگاهی به بخشی از این دسته‌بندی‌های موجود فقهی کمک شایانی به ادامه بحث خواهد نمود:

فقیهان اسلام در طول تاریخ فقه اسلامی برای این علم دسته‌بندی‌های متفاوتی مطرح کرده‌اند. در میان اندیشمندان معروف شیعه، سلار دیلمی (درگذشته ۴۶۳ق) در مراسم (۱۴۱۴ق: ص ۸۲)، ابوالصلاح حلبی (۳۷۴-۴۴۷ق) در الکافی فی الفقه (۱۴۰۳ق: ص ۱۰۹)، ابن‌براج (۴۰۰-۴۸۱ق) در المهدب (۱۴۰۶ق: ج ۱، ص ۱۸)، محقق حلی (۱۴۰۳ق: ۶۰۲-۶۷۶ق) در شرایع (۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۳، ۷، ۱۳)، شهید اول (۷۳۲-۷۸۶ق) در القواعد و الفوائد (بی‌تا: ج ۱، ص ۳۷)، سیدمحمدجوادحسینی عاملی (۱۱۶۴-۱۲۲۶ق) در مفتاح الکرامه (۱۴۱۸ق: ج ۸، ص ۳)، فیض کاشانی (۱۰۰۶-۱۰۹۹ق) در مفاتیح الشرایع (۱۴۰۱ق: ج ۱، ص ۳۶)، شهیدمحمدباقر صدر (۱۳۵۳-۱۴۰۰ق) در الفتاوی الواضحة (۱۳۹۲: ج ۱، ص ۱۳۲)، آیت‌الله مشکینی (۱۳۰۰-۱۳۸۶) در الفقه المأثور (۱۴۱۸ق: ص ۱۳) و عبدالکریم بی‌آزار شیرازی (زاده ۱۳۲۳) در رساله نوین (۱۳۷۹: ج ۱، ص ۵۴) دسته‌بندی‌هایی را ارائه کرده‌اند.

علمان اهل سنت نیز تقسیم‌بندی‌هایی در فقه دارند: در متون فقه شافعی، گاه مباحث فقهی را به چهار دسته عبادات، معاملات، مناکحات و جنایات بخش کرده‌اند. این تقسیم‌بندی ظاهراً از شیوه ابوحامد غزالی در احیاء العلوم متأثر است که احکام و مقررات اسلامی را به چهار بخش عبادات، عادات، منجیات و مهلکات تقسیم کرده است. همچنین، بعضی از متأخران اهل سنت، فقه را سه قسمت دانسته‌اند: عبادات، اصول اخلاقی و احکام قانونی (محمصانی، ۱۳۵۸: ص ۲۰؛ حسن‌زاده، ۱۳۸۲: ص ۲۶۱-۲۹۳).

با بررسی اجمالی مشخص می‌شود که به برخی از الگوهای مطرح‌شده، آن‌گونه که باید، توجه نشده است؛ ولی برخی دیگر مورد نظر عده‌ای از فقیهان قرار گرفته است. آنچه روشن است اینکه علم فقه ساختاری پذیرفتنی برای همه فقیهان اسلامی ندارد و کمتر هم به آن توجه ویژه‌ای شده است؛ مثلاً معروف‌ترین تقسیم برای مباحث علم فقه از منظر فقیهان شیعه را محقق حلی در کتاب شرایع الاسلام ارائه کرده و شهید اول در کتاب قواعد، درباره آن توضیحات کوتاهی داده است (همان). باوجوداین، دیگر شارحان کتاب شرایع، همچون شهید ثانی در مسالک و نوه او سیدمحمد موسوی عاملی در مدارک، و همچنین صاحب جواهر هیچ‌گونه توضیح و تفسیری نداشته‌اند. شهید اول هم در کتاب





اللمعة الدمشقية از روش محقق حلی پیروی نکرده و نیز در القواعد و الفوائد راه دیگری پیموده است.

محقق حلی ابواب و رؤوس مسائل فقهی را با عنوان «کتاب» تنظیم نموده است. او، نخست، ابواب فقه را به چهار بخش عبادات، عقود، ایقاعات و احکام تقسیم کرده و پس از آن، ذیل این عنوان‌ها ۴۸ باب (کتاب) فقهی به شرح زیر قرار داده است:

- عبادات: ۱۰ باب (کتاب)؛

- عقود: ۱۵ باب (کتاب)؛

- ایقاعات: ۱۱ باب (کتاب)؛

- احکام: ۱۲ باب (کتاب).

با وجود این، در شمارش ابواب عقود، به جای ۱۵ باب، ۱۹ باب را نام برده و در مجموع ۵۲ باب فقهی را برشمرده است. بعد از محقق حلی، علامه حلی در کتاب تذکره الفقهاء ابواب فقهی را به نوع دیگری گروه‌بندی کرده است؛ همچنین، شهید اول هم در کتاب القواعد و الفوائد، توضیح اندکی درباره تقسیم محقق حلی داده است. با وجود این، دیگر فقیهان، نه به تقسیم‌بندی محقق توجه کرده‌اند و نه خود ابواب فقهی را به گونه‌ای دیگر تقسیم‌بندی نموده‌اند.

۴. بازنمایی ساختار دانش فقه در فرم اصطلاح‌شناسی

۴-۱. کلیات

نگاه ساختاری به علم، به معنای ملاحظه مجموعی و کلی آن است. ساختار فقه عنصری اثرگذار در فهم گزاره‌ها و مسائل فقهی است. از پرسش‌هایی که در این زمینه مطرح می‌شود، به این موارد می‌توان اشاره کرد: فقه چند رده اصلی دارد؟ ارتباط آنها با یکدیگر چیست؟ آیا این دانش دو شاخه اصلی دارد یا بیشتر؟ مشهور است که فقه شیعه ۵۰ کتاب یا باب دارد؛ اما چرا در برخی کتاب‌های کهن‌تر فقهی، آن را ۲۳ باب (سالر

دیلمی، ۱۴۱۴ق: ص ۸۲) و در برخی دیگر، ۳۶ باب (ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳: ص ۱۰۹) و مانند آن ذکر کرده‌اند؟

ارائه هندسه علم فقه و «ترسیم ساختار آن ضرورت دارد؛ به گونه‌ای که تقسیمات کلی و جایگاه هر بحث، مشخص و عناوین گویا برای هر موضوع برگزیده شود و ذیل هر عنوان، مباحث مطرح در قالب استانداردهای قابل قبول در تألیف و تصنیف ارائه گردد و برای پرهیز از جدا افتادن مباحث مرتبط به هم، یا مخلوط شدن مباحث غیرمرتبط به هم، به موضوع‌شناسی و ساختاربندی آن اهمیت داده شود» (ر.ک: عطیه، ۱۴۲۲ق: ص ۱۴-۷۴).

از این رو، شناسایی و تنظیم اصطلاحات فقهی، که ابزار مفاهمه علمی میان اندیشمندان این حوزه علمی و معرفتی است، ضرورت پیدا می‌کند. نگاه کلان به فقه از زاویه شناخت مصطلحات و طبقه‌بندی آنها، تنظیم مباحث، تقسیمات پیشینی و پسینی آن، نحوه ترسیم و تقسیم مباحث آنها، بیان ارتباط فقه با علوم دیگر و مانند آن، موضوعاتی است که باید در فرمی از پیش طراحی شده، با اصولی مشخص و قابل انعطاف، ترسیم و ارائه گردد. در این تنظیم، سبک و منطق اصطلاح‌نامه و به عبارت دقیق‌تر، اصطلاح‌نامه فقه می‌تواند به کار آید. این ابزار، علاوه بر کاربردها و دستاوردهای شناخته شده (یعقوب‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۱: کاربردهای اصطلاح‌نامه)، در صورتی که با مستندات الکترونیکی همراه شود، در فقه فایده‌هایی، همچون موارد زیر، به صورت تحلیل‌های افزوده خواهد داشت:

- نشان دادن دادوستد فقه با علوم دیگر از طریق ارائه واقعیت موجود در فقه؛

- بازگو کردن ضوابط و قواعد فقهی، اعم از قواعد منصوص و مصرح یا قواعد مستنبط و مستخرج یا قواعد فقهی عام و قواعد فقهی خاص؛

- به دست دادن زمینه بررسی‌ها و کاوش‌های جدید در زمینه‌های بحث‌نشده فقهی از طریق ارائه کارهای انجام‌یافته و بحث‌های متورم‌شده؛

- گشودن بررسی درباره مباحث نو و راه‌های طی نشده مانند: کشف نظریه‌های



فقهی، تعریف نظریه، ضابطه نظریه بودن، مدرک و درجه اعتبار نظریه فقهی، حدود و قلمرو نظریه، مصداق‌ها و موارد تطبیق نظریه، عوامل قبول یا رد یا انکار نظریه، و همچنین ملاک‌های مختلف تبویب و تقسیم‌بندی مباحث فقه، وجه ارتباط فقه با علوم دیگر به‌ویژه شاخه‌های مختلف علم حقوق و دانش‌هایی با ارتباط بالا؛

- ایجاد زمینه برای تنظیم و طبقه‌بندی منابع فقهی، و درک دقیق‌تر از ادوار تاریخی؛

- معرفی اعلام و آثار ارائه‌شده در هر دوره به‌صورت تطبیقی و با مقایسه با دیگر فرقه‌های اسلامی؛

- بررسی مباحث پیرامونی فقه (فلسفه فقه)؛

- اصلاح و طرح‌ریزی بهتر و معماری دقیق‌تر برای فقه با بازنگری عملکرد فقه و فقیهان و مرور گزارش مستند و تحلیلی از واقعیت موجود در فقه کلان و کلان فقه از طریق آماده کردن پایگاه‌های تخصصی فقهی؛

- بازنگری در منابع استنباط و منابع فقه؛

- معرفی فقیهان تحول‌گرا، صاحبان طرح‌ها و نظریه‌های بنیادی و نقطه‌های عطف علمی ارائه‌شده در دوره‌های فقه؛

- بازرسی و بازآفرینی تقسیمات درونی فقه؛

- توجه ویژه به مقارنه فقهی و مقایسه دیدگاه‌های فرقه‌های گوناگون اسلامی.

۴-۲. اثبات فوائد ساختارشناختی اصطلاحنامه فقه

فواید یادشده در بخش پیشین، هرکدام محوری است برای تدوین مقاله یا کتابی پردامن. باین حال، برای جمع‌بندی و استواری بحث، با ذکر نمونه، بخشی از آن فواید را با محوریت فوائد ساختارشناسانه تبیین و اثبات می‌کنیم:

۴-۲-۱. دادوستد فقه با علوم دیگر

وقتی یکایک مصطلحات موجود در فقه با نظمی شناخته شده (مانند الفبایی و درختی) ارائه شود یا به بیان دیگر، مضامین فقهی با اصطلاحات و واژگان کلیدی ترسیم و ساختار بندی گردد، به روشنی مشخص خواهد شد که این دانش چه نوع مباحث و موضوعاتی دارد که این مصطلحات نمایانگر آنهاست؛ در نتیجه، مشخص خواهد شد که نخست، چه مقدار مباحثی را از دانش هایی مانند حقوق، اقتصاد، جامعه شناسی، محیط زیست در خود جای داده و دوم، تا چه حدی با دیگر دانش ها تعامل برقرار کرده یا می تواند برقرار کند؛ مثلاً بخش قابل توجهی از مباحث مربوط به حیوانات و حشرات که در فقه آمده است، وجه ارتباط این دانش را با زیست شناسی نشان می دهد: موضوعاتی همچون شتر (بعیر، ابل، جزور) که در فقه احکام خاصی دارد و در سرفصل هایی مانند زکات، آب چاه و حیوان نجاست خوار، احکام نجاسات، بیع پشم، یا کرک شتر، و دیات از آن بحث شده است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۱۱۹). در این باره، بحث های جزئی تری هم مطرح شده است؛ مانند: تقسیم بندی خون غیرچهنده به خون تمساح، خون مار، خون ماهی، خون پشه، خون کک و خون ملخ.

۴-۲-۲. تقسیم و دسته بندی موضوعات

هرجا از «تکلیف» انسان و حکم شرعی سخن به میان آید، «موضوع» نیز در کنار آن مطرح است؛ از این رو، در دانش فقه همواره با موضوعات روبه رو هستیم. گستردگی دامنه موضوعات فقهی و شناخت بیشتر آنها، دسته بندی موضوعات را ایجاب می کند. دسته بندی موضوعات فقه، معرکه آراست. تقسیم فقه به دو گروه «عبادات و معاملات» دسته بندی رایجی است. مسائلی چون نماز، روزه، حج و زکات، موضوعاتی عبادی هستند و مسائلی چون بیع، اجاره و قرض، موضوعاتی معاملاتی به شمار می آیند. همچنین محقق حلی در شرایع، با تقسیم فقه به چهار رده اصلی، احکام را قسیم عبادات و عقود و ایقاعات قرار داده است؛ پرسشی که در اینجا مطرح میشود این است که آیا رده اصلی احکام، با احکام در عبادات چه ارتباطی دارد و آیا بسیاری از عبادات نیز احکام با معنای



متبادر نیستند؟ آیا فقه، دانشی غیر از علم به احکام شرعیه است؟ اگر فقه مجموعه‌ای از احکام تکلیفی و احکام وضعی در فعل مکلف است، چرا احکام را قسیم عبادات و عقود و ایقاعات قرار داده‌اند؟

در دسته‌بندی دیگری، موضوعات فقه را به دو گروه «فردی و حکومتی» تقسیم کرده‌اند. نماز و روزه را فردی دانسته‌اند؛ چون تکالیف شرعی مربوط به این دو موضوع برعهده تک‌تک مکلفان است. همچنین، سفر رفتن و رعایت احکام آن موضوعی فردی است. رفع نجاست یا کسب طهارت را با نگاهی دیگر، موضوعی فردی هم می‌توان دانست که تک‌تک افراد برای رفع نجاست یا کسب طهارت، باید از آب و... استفاده کنند.

درمقابل، موضوعات دیگری وجود دارد که احکام و تکالیف شرعی مربوط به آنها برعهده حکومت است؛ مثلاً تصمیم و اقدامات جهاد با دشمن و تأمین امنیت کشور و دفاع از مرزها، موضوعی حکومتی است؛ یعنی تکالیف مربوط به این موضوع و انجام فعالیت‌هایی مانند آموزش مردم، تولید سلاح و امکانات پیشرفته دفاعی، سازمان‌دهی نیروی نظامی، و اعلام جنگ یا صلح با دیگر کشورها از وظایف اختصاصی حکومت است. در عرصه اقتصاد نیز مسائلی مانند اداره بانک‌های مرکزی و چاپ پول یا انتشار اسکناس موضوعی حکومتی به‌شمار می‌آید؛ چون مخاطب این نوع احکام نه تک‌تک افراد، بلکه حکومت است. امروزه از دسته‌بندی‌های دیگری با عنوان «موضوعات کهن» و «موضوعات مستحدث یا جدید» نیز نام می‌برند: مثلاً اسکناس (پول کاغذی) را موضوعی مستحدث می‌دانند. اسکناس با پول رایج در گذشته (درهم و دینار یا به تعبیر روایات، نقدین) تفاوت دارد؛ پرسش اینجاست که آیا احکام آن نوع پول (مثلاً درباره زکات) را به این پول جدید می‌توان سرایت داد؟ مشهور فقیهان شیعه اسکناس را مشمول زکات نمی‌دانند (ر.ک: خمینی، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۶۱۴، مسئله ۷؛ خوئی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۵۵، مسئله ۲۲۶)؛ ولی درمقابل، برخی از متأخران شیعه، زکات را دربرگیرنده پول‌های اعتباری کنونی می‌دانند (ر.ک: مرتضوی لنگرودی و دیگران (مصاحبه‌شوندگان)، ۱۳۷۶: ص ۲۰؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۷۸: ص ۷۶) و بیشتر فقیهان اهل سنت (به جز حنبلی‌ها) نیز پول اعتباری را مشمول زکات می‌دانند (ر.ک: جزیری، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ص ۶۰۶).

به‌هرروی، فقه دانشی است نوشونده، پرکاربرد و با گستره‌ای وسیع؛ بنابراین، شناخت دامنه‌ موضوعات در دسته‌بندی درست آنها بسیار مؤثر است. با الگوی اصطلاح‌شناسی در فقه و مرور مجموعه اصطلاحات در قلمرو همگن و جایافته در ردیف خود (و الحاق متون مختلف به آن در فضاهای وسیع الکترونیکی) گونه‌ای از مدیریت اطلاعات فقهی صورت می‌گیرد. در نتیجه، با نگاهی کلی و تورق مباحث به‌صورت موضوعی، بازسازی منطقی در تبویب فقه با ملاک‌های ساختاری نیز فراهم شده و تقسیم‌بندی دقیق‌تر و گسترش‌پذیرتری ارائه خواهد شد. همچنین، با این الگو از پذیرش دسته‌بندی‌ها و تقسیمات متفاوتی که ملاک روشن و همه‌پذیری ندارند و تنها طبق گرایش‌ها و دیدگاه‌های خاص و سلیقه‌های اشخاص گوناگون انجام شده‌اند، پیشگیری می‌شود. مثلاً علم فقه در اصطلاح‌نامه فقه، با منطق لحاظ‌بندی، از جنبه‌های مختلف، به وجوهی همچون این موارد تقسیم شده است: به‌لحاظ ادله اثبات، به فقه استدلالی و فقه روایی؛ به‌لحاظ حکم و موضوع، به احکام و موضوعات احکام؛ به‌لحاظ مذهب، به فقه اهل سنت و فقه شیعه؛ به‌لحاظ مسئله و قواعد کلی، به قواعد فقهی و مسائل فقهی؛ به‌لحاظ موضوعات کلان فقه، به عبادات بالمعنی‌الاعم و معاملات بالمعنی‌الاعم (ر.ک: جمعی از محققان، ۱۳۹۵: ذیل «فقه» (حوزه اصلی)). البته، این تقسیم‌بندی قابل انعطاف و گسترش‌پذیر است.

در رده احکام، بخشی از ساختار آن به‌شکل زیر نمایش داده می‌شود:

احکام

احکام ذوات (احکام اقسام متفاوتی دارد که یکی از آنها احکام ذوات است)

احکام جاندار

احکام حیوان (ذیل احکام حیوان بیش از ۱۲۰ عنوان مطرح شده است)

اجزای حیوان (در این اصطلاح ۱۲ زیربخش مشخص شده که

هرکدام زیررده‌هایی دارند)

خون حیوان

خون حرام گوشت

خون ذبیحه

خون حلال گوشت

خون صید (ر.ک: همان، ذیل «خون حیوان»).

۴-۲-۳. پایش و بسامد فراوانی موضوعات

با الگوی اصطلاح‌شناسی در فقه، پایش موضوعات فقهی و بسامد فراوانی مباحث آن نیز صورت می‌گیرد. وقتی حدود ۶۰ هزار اصطلاح ساختاری از فقه در دسترس باشد، از تعداد اصطلاحات و بحث‌های هر موضوع و عمق پرداختن به آنها می‌توان فهمید که درباره کدام موضوع بحث‌های فراوانی صورت گرفته و بنابراین، نسبت به دیگر موضوعات با سابقه‌تر است؛ یا اینکه، کدام بحث جدید هست که حتی کلیدواژه و اصطلاحات مرتبط به آن هم در بسامدی پذیرفتنی در منابع نیامده است: مثلاً پیرامون مباحث مربوط به نماز، به تعداد کافی اصطلاحات و بحث‌های جزئی وجود دارد، ولی در موضوع مهم و پرکاربردی مانند «امتنان»، در فقه یا حتی در علوم اسلامی بحثی جدی نشده است؛ البته، در موضوع «منت» یا امتنان، در فقه و در عبادات، به اختصار، با عنوان «ادلالات» (ر.ک: همان، ذیل «ادلالات») بحث شده است (آنجا که گفته‌اند: ادلالت بر خدا در مقام عبادت، به قبولی عبادت خلل وارد می‌کند) (صاحب جواهر، ۱۹۸۱م: ج ۱۱، ص ۹۳؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۳۲۵). این در حالی است که این موضوع، بسیار فراتر از آنچه در فقه بحث شده، به توجه نیاز دارد؛ ولی فقیهان ما هنوز به آن نپرداخته‌اند، تا جای خالی بررسی و تحقیق آن حس شود. محققان با مرور اصطلاحات نظام‌یافته، تفاوت میان بحث‌های نو با کهنه‌شده، و کارهای مغفول با بحث‌های متورم‌شده را درخواست می‌کنند.

نمونه ویژه‌ای که در این باره می‌توان مطرح نمود، موضوع «خون» است. در این باره،

چنین درخت‌واره‌ای را می‌توان نمایش داد:



اجزای حیوان

خون

استحاضه

حیض

اهدای خون

خون درآوردن

خون یائسگی

خونِ دماغ

خون تخم پرندگان

خون دندان

خون معفو در نماز

خون پاک

خون حجامت

خون جهنده

خون غیر جهنده

خون تمساح

خون شپش

خون مار

خون ماهی

خون پشه

خون کک



خون ملخ

انتقال خون

به انسان

به حیوان

خرید و فروش خون (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۶۸۱؛ جمعی از محققان، ۱۳۹۵: ذیل «فقه» (حوزه اصلی))

فقیهان درباره موضوعات مرتبط با «خون» بحث‌های فراوانی کرده‌اند (مثلاً در این موضوعات از خون هم بحث نموده‌اند که می‌توان به آنها مراجعه نمود: اذن، پرنده، تمساح، بیع، تخم پرنده، حشرات، خون، تزریق، انتقال خون، احکام زن، خون اهدایی، خرید و فروش خون، اهدای خون، تزریق خون، گرفتن خون (ابن براج، ۱۴۰۶ق: ج ۲، ص ۱۰۲؛ مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۹۵)). با وجود این، در منابع کاغذی و الکترونیکی مباحث و اصطلاحات نوپدید همچون خون‌فروشی، اهدای خون، نگهداری خون، احتکار خون و خون اهدایی را بسیار کم می‌بینیم (ر.ک: جمعی از محققان، ۱۳۹۵: واژه «خون»).

۴-۲-۴. پیشینه بحث در موضوعات

اگر پایگاه‌های مبتنی بر اصطلاح‌شناسی و زبان‌های کنترل شده (مثلاً، ر.ک: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۹۰؛ شبکه تحت وب مدیریت اطلاعات و علوم اسلامی، ۱۳۹۵: بخش فقه) روزآمد باشند، می‌توانند به محققان برای دریافت پیشینه بحث کمک کنند: همان‌گونه که در بازشناسی نقل قول‌های گردآوری شده از نظرات جدید مفیدند. مثلاً «جنین» عنوانی برای جاندار در مرحله‌ای از رشد در رحم مادر است و یکی از موضوعات پرمخاطب در فقه به‌شمار می‌آید. وقتی کاربران به اصطلاح‌نامه یا رده‌بندی‌های ساختارمند^۵ (ر.ک: طاهری عراقی، ۱۳۷۶: ص ۶۳-۷۸) مراجعه کنند، ملاحظه خواهند نمود که این اصطلاح در ساختاری

سلسله‌مراتبی جا دارد و از نظر رده‌ معنایی ذیل عناوینی مانند «موضوعات احکام» و «جانداران» قرار گرفته است (ر.ک: جمعی از محققان، ۱۳۹۵: واژه «جنین»).

از موضوع «جنین» در باب‌های مختلف فقه همچون طهارت، جهاد، تجارت، رهن، وصیت، نکاح، ظهار، لعان، عتق، تدبیر، اقرار، صید و ذباحت، ارث و دیات بحث کرده‌اند. درباره «جنین انسان» نیز در پایگاه‌های مدیریت اطلاعات مبتنی بر نمایه‌سازی کنترل شده (اصطلاح‌نامه و...)، به فراخور، بحث‌های فراوانی در ذیل واژگان مختلف دیده می‌شود؛ مانند: جنین انسان، جنین استخوانی، جنین بی‌روح، جنین بیمار خونی، بیمار جنینی، جنین تام‌الخلقه، جنین ذمی، جنین ذی‌روح، جنین ناتمام، جنین مرده، جنین مسلمان، جنین مشرف‌به‌مرگ، جنین ناقص‌الخلقه، جنین وارث، جنین وطی به شبهه، علقه، علقه انسان، علقه حیوان، مضغه، نطفه و اتلاف جنین انسان (ر.ک: همان).

با مراجعه به پایگاه مدیریت اطلاعات فقهی و تحلیلی ساده، از کمیت اطلاعات و حجم مباحثی که ذیل اصطلاحات و کلیدواژگان مرتبط وجود دارد، به روشنی درک می‌کنیم که اندیشمندان حوزه علمی فقه تا چه مقدار به اصل موضوع «جنین» توجه داشته‌اند؛ مثلاً اگر درباره «جنین» به وبکی علوم اسلامی، که برپایه زبان کنترل شده اصطلاح‌نامه طرح‌ریزی شده است، مراجعه کنیم، علاوه بر جایگاه‌های متعارف این موضوع، بحث‌های نسبتاً فراوانی ذیل عنوان‌های وابسته گوناگون آن می‌بینیم: مانند تشریح میت، اتلاف، بارداری انسان، احکام میت، بیع ملاقیح، بیع نتاج، بیع مجر، جنین انسان، تسویه جنین، تصویر جنین، مراحل جنین، رشد جنین، نطفه جنین، عظم جنین، لحم جنین، منشأ تکوین جنین، نمو جنین، تشریح جنین، علقه، مضغه، عظم جنین (برگرفته از: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۹۵) و منابع فراوانی که در این باره بحث کرده‌اند (مانند: شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۶، ص ۹۰؛ همو، بی‌تا: ذیل «انسان»؛ صاحب جواهر، ۱۹۸۱م: ج ۳۶، ص ۱۸۴؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۸: ج ۳، ص ۱۲۷؛ محقق سبزواری، بی‌تا: ص ۲۴۸؛ شاذلی، بی‌تا: ص ۱۹۹؛ بن‌سعید، ۱۳۷۵ق: ج ۱، ص ۲۹-۴۶؛ مدکور، ۱۳۸۹ق: ج ۱، ص ۳۳-۳۴؛ معصر، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ص ۳۵).





ازسوی دیگر، مواردی مانند نازایی یکی از مشکلات اجتماعی در جامعه امروز به شمار می آید. مهم ترین شیوهی درمان این مشکل، «اهدای جنین» است.^۶ ازسوی دیگر، می دانیم که فقه دانشی پویاست. عالمان فقه و حقوق باید پابه پای نیازهای جامعه علمی در فرایند تولید غیرطبیعی انسان حرکت نموده و ضمن حل مشکلات فقهی - حقوقی و نارسایی های انسان، او را در پیمودن راه درست راهنمایی کنند.^۷ اگر رجوع به اصطلاحنامه های تخصصی روزآمد یا رده بندی های جامع، یافتن اصطلاحاتی مانند «شبه سازی» «باروری های پزشکی»، «تولید مثل مصنوعی»، «اهدای اسپرم» (ر.ک: خلفی، ۱۳۸۵: ص ۵۱)، «اهدای تخمک» (همان)، «اجاره رحم» یا «مادر جانشین» (همان)، «اهدای جنین» (همان، ص ۵۲) و دیگر مباحث نوپدید را در پی نداشته باشد، پیداست که یا عالمان فقهی - حقوقی هنوز به این موضوعات توجه نکرده اند یا در وجه عام از آنها بحث نکرده یا اگر این گونه بوده باشد، بسیار اندک است. حتی ممکن است چنین اصطلاحاتی در منابع و مباحث آنان هنوز به کار نرفته باشد؛ چون نه در تداول عام تثبیت شده اند و نه درباره چنین موضوعاتی در منابع کاغذی و الکترونیکی و وبکی های مرتبط بحث های قابل توجهی وجود دارد. مثلاً در ذیل «اهدای جنین» گاه با پیام «این صفحه هم اکنون متنی ندارد. شما می توانید در دیگر صفحات این عنوان را جستجو کنید» یا «سیاهه های مرتبط را بگردید» روبه رو می شویم. این درحالی است که به دلیل کاربرد زیاد این موضوع، جامعه پزشکی و زیست شناسان از نگاه تخصصی خویش آثار متنوعی درباره اش نوشته اند (مانند: کمپل، ۱۳۷۲؛ کندری، ۱۹۹۸م؛ لاریجانی، ۱۳۹۲؛ ویسیک، ۱۳۷۳؛ یاسین، ۱۴۱۰ق؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق؛ منتظری، ۱۳۸۱ق؛ مؤمن، ۱۳۷۴؛ نایب زاده، ۱۳۸۰؛ همو، ۱۳۸۴).

از آنجا که عناصر یادشده برپایه اصطلاح شناسی طراحی و ارائه می شوند، به شرط روزآمد بودن، در شناخت مباحث مغفول یا قابل بحث، همچون راهنما عمل می کنند؛ ازسوی دیگر، در بازشناسی گفته های پیشینیان از سخنان نو به کار می آیند و موقعیت های بررسی شدنی و منتهی به تولید علم را نشان می دهند.

۴-۲-۵. طبقه‌بندی منابع و شناخت اندیشمندان تحول‌ساز

در رده‌بندی‌ها و سرعنوان‌های موضوعی و به‌ویژه در اصطلاح‌نامه‌ها، نام اشخاص با رابطه هم‌ارز و نام منابع با نام‌های مشابه و همچنین، فرابخش‌های آنها ذکر می‌شود؛ مثلاً:

کتاب تفسیر فخر رازی با نام‌هایی مانند تفسیر کبیر، مفاتیح الغیب، تفسیر رازی، تفسیر کبیر رازی، کتاب تفسیر کبیر، و همچنین، نام فخر رازی با عناوینی مانند ابو عبدالله فخر رازی، فخر رازی، محمد بن عمر (۵۴۴ - ۶۰۶ ق)، امام فخر رازی، فخرالدین رازی، امام ابوالفضل، امام المشککین، محمد بن عمر: خطیب رازی، محمد بن عمر: رازی، فخرالدین: محمد بن عمر، رازی: محمد بن عمر، محمد بن عمر بن الحسن بن الحسن التیمی الرازی، و محمد بن عمر کبری طبرستانی در ذیل مفسران، متکلمان، فیلسوفان و فقیهان می‌آید.

همچنین، آثار علمی او مانند الأربعین، أساس التقدیس، أسرار التنزیل، أسرار النجوم، الإنارات، البیان، تحصیل الحق، تفسیر کبیر، شرح نهج البلاغه، تهذیب الدلائل، درة التنزیل و قرۃ التأویل، زبدة المعالم، السر المكتوم، المحصول، نهاية الإيجاز و نهاية العقول هر کدام در ذیل عنوان عام خود قرار می‌گیرند؛ مثلاً الأربعین و تحصیل الحق، ذیل منابع کلامی و أسرار النجوم، ذیل منابع نجومی (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۹۵).

مشاهده و دریافت نام‌های اشخاص به‌صورت استاندارد و همچنین، عناوین مترادف یا شبه‌مترادف و جایگاه آنها در ساختار سلسله‌مراتبی برایندهایی خواهد داشت: نخست اینکه، نظمی معنایی ایجاد می‌کند؛ همچنین، زمینه طبقه‌بندی درست منابع را در محتوای فایل‌های الکترونیکی به‌صورتی آسان، دقیق و جذاب فراهم می‌کند؛ افزون‌براین، اطلاعاتی جانبی مانند دوره تاریخی، و تقدم و تأخر منابع یا زمان زیست نویسنده و بازبایی زمانی هر اثر از او را نمایان خواهد کرد؛ به‌علاوه، از همین رهگذر،





اندیشمندان تحول ساز و بانیان طرح‌ها و نظریه‌های جدید مشخص خواهند شد؛ در پایان، با مدیریت اطلاعات فقهی و تورق مباحث به صورت موضوعی، مباحث مهمی مانند قواعد و نظریه‌های فقهی، و تعریف‌ها و ملاک‌های آنها کشف خواهد شد.

این فوائد و مانند آن، در صورتی تحقق درست و قابل انعطافی خواهد داشت که اطلاعات پراکنده در منابع گوناگون، با ساختاری منظم، در پایگاهی دربرگیرنده فایل‌های متنی و صوتی-تصویری، (طبق اصولی از پیش طراحی شده) برپایه اصطلاحات، تنظیم شوند و روزآمد باشند. در میان منابع مربوط به حوزه مدیریت اطلاعات،^۸ اصطلاحنامه تخصصی فقه، منبع مرجعی (ر.ک: دیبانی و دیگران، ۱۳۷۰: ص ۷۷) است که بیش از ۵۰ هزار اصطلاح و کلیدواژه در حوزه دانش فقه را براساس پروتکل‌ها و قراردادهای بین‌المللی^۹ (نیز ر.ک: عرب شیبانی و دیگران، ۱۳۹۴: ص ۶۲) فراهم آورده و با توجه به اصولی از پیش تعریف شده، شبکه‌ای معنامحور از اصطلاحات علم فقه را ارائه کرده است (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۹۵). این کار جامع و بزرگ در مهندسی مجدد، بازنمایی و ساختاربندی علم فقه نقشی بی‌مانند ایفا خواهد کرد.

جمع‌بندی و فرجام بحث

بازنمایی درست دانش فقه در صورتی تحقق می‌یابد که ارتباط ساختمان معنایی این علم به درستی درک شود و جایگاه هر بحث در نظامی منطقی مشخص گردد. چنین هدفی مبتنی است بر ترسیم هندسه دانش فقه و با موضوع‌شناسی دقیق و اصطلاح‌شناسی گسترده آن سامان می‌یابد. با این هدف، علاوه بر درک درست از رده‌های اصلی، ساختار کلی و جایگاه هر بحث در قالب استانداردهای پذیرفتنی شناسایی می‌شود. بنابراین، موضوع‌شناسی در ترسیم ساختار فقه از اصولی‌ترین پایه‌ها برای نگاه درست ساختاری به فقه است. به‌دیگر سخن، موضوع‌شناسی دقیق و کامل با اصطلاح‌شناسی کامل فراهم می‌شود و برپایه آن، نگاه کلان به فقه از زاویه طبقه‌بندی مصطلحات و موضوعات تحقق می‌یابد: این مهم از اصطلاح‌نامه فقه و هستی‌شناسی مفهومی^{۱۰} فقه کمک خواهد گرفت.

چنین ابزار استاندارد، در صورتی که با مستندات همراه شود، فواید دیگری را به صورت ارزش افزوده برای دانش فقه به همراه خواهد داشت: نشان دادن دادرستد فقه با دانش های دیگر؛ نشان دادن بحث های متورم شده؛ به دست دادن زمینه بررسی های جدید در مسائل نوپدید؛ گشودن گفت وگوهای تازه درباره ملاک های مختلف تبویب و تقسیم بندی مباحث فقه؛ روشن کردن ارتباط فقه با دانش های دیگر، به ویژه شاخه های مختلف علم حقوق؛ و سرانجام، اصلاح و طرح ریزی بهتر و معماری دقیق تر برای فقه با مطالعه و بررسی عملکرد فقه و فقیهان، و مرور گزارش مستند و تحلیلی از واقعیت موجود در کلان فقه از طریق آماده کردن پایگاه های تخصصی فقهی بر پایه اصطلاحات کنترل شده فقهی.

پی نوشت:

۱. تدوین اصطلاح نامه ها به زبان لاتین دارای پیشینه ای طولانی است. با وجود این، خلق این نوع منابع به زبان فارسی عمر چندانی ندارد؛ همان گونه که به زبان عربی تا کنون اقدامی نشده است. اندیشه تدوین اصطلاح نامه ها در حوزه علوم اسلامی نیز در مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، از دهه های گذشته، برای نخستین بار در جهان اسلام مطرح شده است. این مرکز اکنون در همه رشته های علوم اسلامی، اصطلاح نامه هایی تخصصی را به جامعه فرهنگی مسلمانان عرضه نموده است. گفتنی است، استفاده از رویه های پذیرفته شده جهان (مانند یونسکو) بستر مناسبی برای مدیریت اطلاعات و سازمان دهی دانش های اسلامی فراهم کرده است.
۲. اصطلاح نامه معادل لاتینی تزاروس (Thesaurus) است که به «واژگان نامه»، «گنج واژه» و «کنز الاصطلاح» نیز معروف است.
۳. تا کنون معادل صریحی به زبان عربی برای اصطلاح نامه استفاده نشده است.
۴. طرح های رده بندی برای سامان دهی کتابخانه ها، و نظام های طبقه بندی نیز به همین منظور ایجاد شده اند.
۵. مرحوم عراقی در (رده BP: اسلام) علوم دینی اسلام را گسترش داده است و زیر رده فقه و اصول، فقه را در ۱۵ صفحه با ۳۷۰ عنوان آورده و از فقه شیعه ۷ صفحه و حدود ۱۷۰ عنوان یا اصطلاح را یاد آور شده است.
۶. جمهوری اسلامی ایران نیز در راستای تسهیل امور مردم، قانون اهدای چنین را در سال ۱۳۸۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رساند.
۷. هم زمان با تولد نخستین انسان آزمایشگاهی در سال ۱۹۷۸ و فراگیر شدن شیوه های مصنوعی درمان نازایی، از جمله «اهدای چنین» در دهه های اخیر، برخی عالمان و فقیهان، مباحثی در موافقت و یا مخالفت با این شیوه ها طرح نموده اند. درباره اهدای چنین سه نظر مطرح است: حرمت مطلق، جواز مطلق و تفکیک (یعنی جواز در صورت استفاده از سلول جنسی زوجین و عدم جواز در صورت استفاده از سلول جنسی غیرزوجین).

۸. از قبیل اصطلاح‌نامه‌ها، رده‌بندی‌های ساختارمند و هستی‌شناسی‌های مفهومی.
۹. در اصطلاح‌نامه علوم اسلامی از جمله اصطلاح‌نامه فقه، از استاندارد ایزو ۲۷۸۸ استفاده شده است. همچنین، با در نظر گرفتن برخی ویژگی‌ها، با معیارهای استاندارد ایزو ۵۹۶۴ نیز همخوانی دارد. همچنین، برای مطالعه بیشتر، ر.ک: شیبانی و دیگران.
۱۰. هستان‌شناسی یا هستی‌شناسی (Ontology) در علوم رایانه و علوم اطلاعات، توصیف‌سوری مجموعه‌ای از مفاهیم یک دامنه و روابط میان آنها است (ر.ک: نوروزی و طاهریان، ۱۳۹۱: ص ۴۸). تاکنون هستی‌شناسی مفهومی فقه انجام نشده است.



کتابنامه

۱. اوستین، درک و پیترو ویل (۱۳۶۵)، راهنمای تهیه و گسترش اصطلاح‌نامه یک‌زبانه، ترجمه عباس حری، تهران، مرکز اسناد و مدارک علمی ایران.
۲. ابن‌براج، عبدالعزیز بن‌نحیر (۱۴۰۶ق)، المذهب، ج ۱، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۳. ابن‌نذیم (۱۴۳۰ق/۲۰۰۹م)، الفهرست، فن پنجم از مقاله ششم: «فقه‌اء الشیعه»، مقابله و تعلیقه ایمن فؤاد سید، لندن، مؤسسه الفرقان للتراث الإسلامی.
۴. ابوالصلاح حلبی، تقی‌بن‌نجم (۱۴۰۳ق)، الکافی فی الفقه، تحقیق رضا استادی، اصفهان، مکتبه امیرالمؤمنین علیه السلام.
۵. بن‌سعید، عرب (۱۳۷۵/۱۹۵۶م)، خلق الجنین و تدبیر الحبالی و المولودین، الجزائر، چاپ نورالدین عبدالقادر و هنری جاهیه، ۱۳۷۵ق/۱۹۵۶م.
۶. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۷۹)، رساله نوین، ج ۱، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. پریس، وارن. ای (۱۳۶۷)، «یادداشت‌هایی در جهت دانشنامه‌ای جدید»، ترجمه احمد بیرشک، هرمز ریاحی، فریبرز مجیدی، فرهنگ، ش ۲ و ۳.
۸. پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام، ویکی فقه، قابل دسترسی در: <http://wikifeqh.ir>. آخرین بازدید: ۱۳۹۵/۱۱/۳۰. ابواب و قواعد فقهی.
۹. جزیری، عبدالرحمن (۱۴۰۶ق)، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، بیروت، دار الإحياء التراث العربي.
۱۰. جمعی از محققان (۱۳۷۸)، اصطلاح‌نامه منطق، ذیل واژه «منطق» (حوزه اصلی)، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۱۱. _____ (۱۳۸۰)، اصطلاح‌نامه اصول فقه، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۱۲. _____ (۱۳۹۵)، اصطلاح‌نامه فقه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۳. _____ (۱۳۷۶)، اصطلاح‌نامه فلسفه اسلامی، ذیل واژه «فلسفه و حکمت»، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

۱۴. حرّی، عباس (۱۳۸۱)، دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، ج اول، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۱۵. حسن‌زاده، حسین (۱۳۸۲)، «بررسی ساختار فقه»، قیسات، ش ۳۲.
۱۶. حسینی عاملی (۱۴۱۸ق)، سیدجوادی‌بن‌محمد، مفتاح‌الکرامه، ج ۸، بیروت، دار التراث.
۱۷. خلفی، مسلم (۱۳۸۵)، «اهدای جنین در پرتو فقه و حقوق - قسمت اول: روایه اهدای جنین»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۳۳.
۱۸. خمینی، روح‌الله (۱۳۹۰ق)، تحریر الوسیله، ج ۲، النجف الأشرف، مطبعة الآداب، چاپ دوم.
۱۹. _____ (۱۳۷۸)، صحیفه امام، ج ۲۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲۰. _____ (۱۳۷۶)، منشور روحانیت، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲۱. خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، منهاج‌الصالحین، قم، مدینه العلم.
۲۲. دوانی، علی (۱۳۸۶)، هزاره شیخ طوسی، تهران، چاپ و نشر بین‌الملل.
۲۳. دینانی، محمدحسین و دیگران (ترجمه و تألیف) (۱۳۷۰)، مبانی مرجع، مشهد، آستان قدس رضوی.
۲۴. سلار دیلمی، ابویعلی حمزه‌بن‌عبدالعزیز (۱۴۱۴ق)، المراسم العلویة فی الأحکام النبویة، قم، المجمع العالمی لأهل البيت علیهم السلام.
۲۵. سلطانی، پوری و فروردین راستین (۱۳۶۵)، اصطلاح‌نامه کتابداری، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۲۶. شاذلی، حسن علی (بی‌تا)، «الجنین: حیاته و حقوقه فی الشریعة الإسلامیة»، چاپ‌شده در السیاسة الصحیحة، الأخلاقیات و القیم الإنسانیة من منظور إسلامی، تحریر احمد رجائی جندی، کویت، المنظمة الإسلامیة للعلوم الطبیة.
۲۷. شبکه تحت وب مدیریت اطلاعات و علوم اسلامی، قابل دسترسی در: <http://islamicdoc.org>.
آخرین بازدید: ۱۳۹۵/۱۱/۳۰.
۲۸. شهبایی، محمود (۱۳۶۹)، ادوار فقه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۲۹. شهید اول (محمدبن‌مکی) (بی‌تا)، القواعد و الفوائد، قم، مکتبه مفید.
۳۰. شیخ طوسی (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ احمد حبیب قصیر عاملی، دار إحياء التراث العربی، بیروت.



۳۱. _____ (۱۳۷۷ق)، الخلاف، تهران، بنیاد فرهنگ اسلامی حاج محمدحسین کوشان‌پور.
۳۲. صاحب جواهر (محمدحسن نجفی) (۱۹۸۱م)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دارالإحياء التراث العربي.
۳۳. صاحب معالم (حسن بن زین‌الدین العاملی) (۱۴۱۵ق)، معالم‌الدین و ملاذ المجتهدین، قم، دفتر انتشارات اسلامی (جامعه مدرسین).
۳۴. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۲)، الفتاوی الواضحة وفقاً لمذهب اهل البيت عليهم السلام، قم، محبین.
۳۵. طاهری عراقی، احمد (۱۳۷۶)، ردة BP: اسلام (علوم دینی اسلام در نظام رده‌بندی کتابخانه‌ی کنگره)، به کوشش زهره علوی و دیگران، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ویراست دوم.
۳۶. عرب شیبانی، زکیه و دیگران (۱۳۹۴)، «ارزیابی رعایت معیارهای کنترل‌واژگان در اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی بر اساس استاندارد ایزو ۲۵۹۶۴»، مطالعات دانش‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، ش ۲.
۳۷. عطیه، جمال و وهبه زحیلی (۱۴۲۲ق / ۲۰۰۲م)، تجدید الفقه الإسلامي، از سلسله کتاب‌های حوارات لقرن جدید، دمشق - بیروت، دارالفکر، چاپ دوم.
۳۸. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۰۱ق)، مفاتیح الشرایع، قم، مجمع الذخائر الإسلامي.
۳۹. قرشی، محمدحسین (۱۳۷۸)، «یک راهنمای عمومی برای دائرةالمعارف‌نویسی»، کیهان فرهنگی، ش ۱۵۳.
۴۰. کمپل، السیتر (۱۳۷۲)، معضلات اخلاقی در حرفه پزشکی، ترجمه حسن میانداری، تهران، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: معاونت امور فرهنگی، حقوقی و مجلس.
۴۱. کندری، فایز عبدالله (۱۹۹۸)، «مشروعیة الإستنساخ الجینی البشري من الوجهة القانونية»، مجلة الحقوق، سال ۲۲، ش ۲، ۱۹۹۸م.
۴۲. لاریجانی، باقر (۱۳۹۲)، پزشک و ملاحظات اخلاقی، تهران، برای فردا.
۴۳. محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۳ق)، شرایع الإسلام، ج ۱، بیروت، دار الأضواء.
۴۴. محقق سبزواری، محمدباقر (بی تا)، کفایة الأحکام، قم، مؤسسه النشر الإسلامي.
۴۵. محمصانی، صبحی رجب (۱۳۵۸)، فلسفة التشريع في الإسلام (عنوان اصلی): فلسفة قانون‌گذاری در اسلام، ترجمه اسماعیل گلستانی، تهران، امیرکبیر.

۴۶. مدکور، محمدسلام (۱۳۸۹ق)، الجنین و الأحكام المتعلقة به في الفقه الإسلامي، قاهره، بی‌نا.
۴۷. مرتضوی لنگرودی، سیدمحمدحسن، محمدمهدی آصفی، محمدهادی معرفت (مصاحبه‌شوندگان) (۱۳۷۶)، «مسائل مستحدثه زکات»، فقه اهل بیت علیهم‌السلام، ش ۱۰، ص ۲۰.
۴۸. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اصطلاح‌نامه جامع علوم اسلامی، قابل دسترسی در: <http://thesaurus.islamicdoc.org/thesaurus>، آخرین بازدید: ۱۳۹۵/۱۱/۳۰
۴۹. _____، پایگاه تخصصی اصول فقه، قابل دسترسی در: <http://islamicdoc.org/payegah-osool.html>، آخرین بازدید: ۱۳۹۵/۱۱/۳۰
۵۰. _____، دانش‌نامه علوم اسلامی، قابل دسترسی در: <http://wiki.islamicdoc.org>، آخرین بازدید: ۱۳۹۵/۱۱/۳۰؛ ویکی علوم اسلامی (ابواب و قواعد فقهی) و ویکی اعلام و مشاهیر.
۵۱. مشکینی، علی (۱۴۱۸ق)، الفقه المأثور، قم، الهادی.
۵۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۵)، ده گفتار، تهران، صدرا.
۵۳. _____ (۱۳۳۹)، «اجتهاد در اسلام»، نشریه سالانه مکتب تشیع، ش ۳.
۵۴. _____ (۱۳۸۷)، آشنایی با علوم اسلامی، ج ۳، تهران، صدرا.
۵۵. معصر، عبدالله (۱۴۱۱ق)، «حقوق الجنین في الفقه الإسلامي»، البحوث الفقهيّة المعاصرة، ش ۲۶.
۵۶. معین، محمد (۱۳۶۴)، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر.
۵۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ق)، الفتاوی الجديدة، قم، مدرسة الإمام علي بن ابي طالب علیه‌السلام، چاپ نخست.
۵۸. منتظری، حسین علی (۱۳۸۱)، احکام پزشکی، تهران، سایه، چاپ نخست.
۵۹. موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۳۷۸)، «نقش اسکناس در نظام حقوقی اسلام»، ضمیمه کتاب پول در نگاه اقتصاد و فقه، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، نشر اندیشه.
۶۰. مؤمن، محمد (۱۳۷۴)، «سخنی درباره تلقیح»، ترجمه موسی دانش (جعفرزاده)؛ فصلنامه فقه اهل بیت علیهم‌السلام، ش ۴.
۶۱. نایب‌زاده، عباس (۱۳۸۴)، الهدای گامت و جنین در درمان ناباروری، تهران، سمت، چاپ نخست.

۶۲. _____ (۱۳۸۰)، بررسی حقوقی روش‌های نوین باروری مصنوعی: مادر جانشین - اهدای تخمک اجنین، تهران، مجد، چاپ نخست.
۶۳. نوروزی، مرتضی و محسن طاهریان (۱۳۹۱)، اصول و مبانی وب معنایی، تهران، فرس.
۶۴. ویسیک، جان (۱۳۷۳)، رضایت خاموش: مواردی در زمینه اخلاق پزشکی مدرن، ترجمه ناصر بلیغ، تهران، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: مرکز مطالعات و تحقیقات اخلاق پزشکی.
۶۵. هاشمی شاهرودی، سید محمود (زیرنظر) (۱۳۸۸)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، بی‌جا، مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی.
۶۶. یاسین، محمدنعیم (۱۴۱۰ق)، «حقیقة الجنین و حکم الإتنفاع به فی زراعة الأعضاء»، الشریعة و الدراسات الإسلامية، ش ۱۷.
۶۷. یعقوب‌نژاد، محمدهادی و دیگران (۱۳۹۱)، مجموعه مقالات همایش ملی اصطلاح‌نامه، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، بی‌جا، کتابدار.
۶۸. یعقوب‌نژاد، محمدهادی (۱۳۸۹)، «فرهنگ‌نامه اصول فقه، نخستین فرهنگ‌نامه جامع‌نگر در اصول فقه»، آینه پژوهش، ش ۱۲۴.
۶۹. _____ (۱۳۷۵)، درآمدی بر مبانی اصطلاح‌نامه علوم اسلامی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی